خراسان بزرگ: سال هفتم، شماره (۲۲)، بهار ۱۳۹۵
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.7, No.22, Spring 2016

رقابت‌های تجاری بریتانیا و روسیه در خراسان و سیستان در دورۀ قاجار

زهرا نادی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۱۲
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۲/۱۵
شماره صفحات: ۶۲-۵۳

چکیده

خراسان و سیستان به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی و نزدیکی به مرزهای هند، برای روسیه و بریتانیا در قرن نوزدهم دارای اهمیت بسیار بود. این دو قدرت برای حفظ منافع و مصالح خود در شرق ایران بعد از یک دوره اقدامات نظامی و تصرف برخی از شهرها، برای پیشبرد اهداف خود به فعالیت‌های تجاری روی آوردند. در این پژوهش تلاش می‌شود با روش توصیفی و تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روزنامه‌ها و اسناد آرشیوی به این پرسش پاسخ داده شود که رقابت‌های تجاری بریتانیا و روسیه در خراسان و سیستان چه نتایجی را برای منطقه در برداشته است؟

با بررسی و واکاوی فعالیت‌های تجاری بریتانیا و روسیه در خراسان و سیستان این نتیجه حاصل شد که این دو دولت با تأسیس شعبه‌های بانک در مشهد، بیرجند، سیستان، احداث راه‌آهن و جاده‌سازی توانستند ضمن تأمین امنیت و ثبات سیاسی، نقل و انتقالات کالاها و مبادلات مالی را نیز بر عهده بگیرند که این امر به رونق امور اقتصادی در خراسان و سیستان انجامید. اما رقابت و فعالیت‌های تجاری این قدرت‌ها از یک سو سبب افزایش تعداد نیروهای بیگانه در منطقه شد و از سوی دیگر منجر به افزایش ورود کالاهای فرنگی گردید که با گذشت زمان به انهدام صنایع محلی این مناطق، ورشکستگی تجار داخلی، بیکاری اصناف و پایین آمدن سطح زندگی کارگران و مردم محلی انجامید.

کلید واژه‌ها: خراسان، سیستان، روسیه، بریتانیا، رقابت‌های تجاری، دوره قاجار.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه بین المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران
Nadi.zahra90@gmail.com

۱. مقدمه

خراسان و سیستان در دورهٔ قاجار به دلیل برخورداری از موقعیت سوق‌الجیشی و استراتژیکی همواره مورد توجهٔ کشورهای غربی و همسایه بود. در قرن نوزدهم بریتانیا و روسیه به منظور حفظ منافع-شان در ایران، به خصوص در خراسان و سیستان اقدام به فعالیت‌های نظامی و تجاری مختلفی کردند. این مناطق به دلیل مجاورت با هند و نزدیکی به آب‌های جنوب برای بریتانیا و روسیه اهمیت بسیاری داشت.

این دو کشور برای حفظ منافع و تحکیم نفوذ خود در منطقه به رقابت‌های نظامی پرداختند. اما بعد از یک دوره فعالیت‌های نظامی، برای توسعهٔ نفوذ خود به فعالیت‌های تجاری و عمرانی روی آوردند. در این مقاله ضمن بررسی رقابت‌های تجاری روسیه و بریتانیا در خراسان و سیستان، تلاش می‌شود تا با روش توصیفی و تحلیلی به این پرسش پاسخ داده شود که رقابت‌های تجاری روس و بریتانیا در خراسان و سیستان چه نتایجی را برای منطقه در بر داشته است؟ در بحث پیشینهٔ پژوهش بایستی به کتاب‌های نگاشته شده توسط مستشاران و سیاحان انگلیسی مانند ایران و قضیه ایران از کرزن، دو قرن نیرنگ، داستان تلخ سیاست استعماری انگلیس در ایران و انگلیسی‌ها در میان ایرانیان از رایت دنیس اشاره کرد که گزارش‌های دقیقی از اوضاع شرق ایران و فعالیت بریتانیایی‌ها در منطقه ارائه می‌دهند. هم‌چنین کتاب‌های زندگانی سیاسی خاندان علم از مظفر شاهدی، امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران و بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان از پیروز مجتهدزاده اطلاعات مفیدی را از اهمیت خراسان و سیستان، عملکرد خاندان علم، فعالیت روس‌ها و انگلیسی‌ها و رقابت‌های نظامی آن‌ها در اختیار ما قرار می‌دهند. کتاب‌های دیگر چون ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹). از لیتن، رقابت روسیه وغرب در ایران از لنزوسکی و روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهشی دربارهٔ امپریالیسم از کاظم‌زاده نیز به رقابت‌های روس و انگلیس در ایران می‌پردازند و در این میان گاهی اشارات گذرایی نیز به اوضاع این دو قدرت در شرق ایران نیز دارند. این آثار اغلب مطالب پراکنده‌ای از فعالیت‌های تجاری روس و بریتانیا در این منطقه ارائه می‌دهند از این رو در این پژوهش ضمن بهره از این آثار تلاش شده تا با روش توصیفی و تحلیلی به بررسی و واکاوی رقابت‌های تجاری بریتانیا و روسیه در خراسان و سیستان پرداخته شود.

۲. حضور نظامی بریتانیا و روسیه در خراسان و سیستان

قبل از ورود به بحث رقابت‌های تجاری روسیه و بریتانیا، بهتر است پیشینه‌ای از فعالیت‌های نظامی این دو کشور در خراسان و سیستان و دلایل اهمیت این خطه بیان شود. خراسان به دلیل قرار گرفتن در نزدیکی هند و برخورداری از موقعیت سوق‌الجیشی، برای بریتانیا و روسیه دارای اهمیت بود. این امر به وضوح در کتاب‌های آن زمان، به ویژه آثار سیاحان و گزارش سیاستمداران بریتانیایی بیان شده است. کُرزُن (Curzon) در کتاب *ایران و قضیه ایران* مطرح می‌کند که «سیاست بریتانیا در خطهٔ خراسان این است که مصالح انگلستان و افغانستان را در آنجا مصون سازد و به هیچ وجه تغییری را در وضع کنونی نپذیرد و به خصوص ناظر و نگران آزادی راه‌هایی باشد که برای پیشرفت تجارت انگلستان ضرورت کامل دارد و اگر آن راه‌ها به جای دولت، در دست قدرتی بیگانه باشد خطر نمایانی برای هندوستان خواهد بود» (کُرزُن، ۱۳۷۸، ج۱: ۲۹۶). کُرزُن هم چنین اهمیت سوق‌الجیشی و مهم مرزها و قلمروهای شرقی ایران را گوشزد می‌کند. به عقیدهٔ وی از آنجایی که ایران از گردنهٔ ذوالفقار تا انتهای جنوبی سیستان دارای مرز مشترکی با افغانستان است، هر دولتی بتواند به داخل ایران نفوذ کند و در آن مستقر شود، کلید هرات را در دست خواهد داشت (شاهدی، ۱۳۷۷: ۳۰). ژنرال سرهنری برکنبری (Br Kunbry) رئیس سازمان اطلاعات نظامی انگلیس، به وزرات امور خارجه بریتانیا چنین می‌نویسد: «توجهٔ ما آنچنان که باید و شاید به انقیاد خراسان که با ناحیهٔ ماوراء بحر خزر ارتباط نزدیک دارد و از نظر اقتصادی و صنعتی به آن متکی هستیم، معطوف نشده است. در این حدود، منطقهٔ نفوذ انحصاری روسیه، از میان خراسان جادهٔ مطلوبی به هرات هست و در صورت پیش آمد عملیات جنگی بر علیه هندوستان، خراسان پایگاه خواربار ما جهت اقدامات مقدماتی نسبت به آنجاست. خراسان نیز پایگاهی است که اگر روزی بخواهند می‌توانند از آنجا عملیات شدید نظامی علیه هندوستان آغاز نمایند. از این مهم‌تر، آن که تصرف خراسان برای روس‌ها از نظر ادامهٔ عملیات نظامی ضرورت اساسی دارد و این نکته در نامه‌های رسمی روسی آشکارا مطرح شده است» (کاظم زاده، ۱۳۷۱: ۲۰۳؛ کُرزُن، ۱۳۸۰، ج۲: ۷۰۸). وزیر امور خارجهٔ هند بریتانیا، نیز در گزارشی به سفیر بریتانیا در تهران، در مورد اهمیت قائنات و سیستان چنین تأکید دارد: «دولت هند اهمیت بسیار بالایی برای منافع برتر بریتانیای کبیر در سیستان و جنوب خاوری ایران قائل است. دولت هند بر این عقیده است که تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داد که سیستان همانند ایالت‌های شمالی ایران، تحت کنترل و یا حتی حوزهٔ نفوذ روسیه قرار گیرد و این که اعتبار و نفوذ

بریتانیا در آن منطقه باید به طور اکید و با شدت حفظ گردد. اگرچه مزایای تجاری، بازرگانی فرامرزی با هند نادیده گرفته نشده و برای ایران و هند هر دو حائز اهمیت است ولی باید درک کنید که اهداف دولت هند در گشودن مسیر کویته و پیش راندن امور بازرگانی، بیشتر سیاسی بوده است. دولت هند تمایل داشته است که نه تنها بازرگانی را افزایش بخشد بلکه از این راه، منافع برتر بریتانیا را در آن بخش‌های ایران که با بلوچستان هم مرز است حفظ نماید» (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۶۰). تمامی این گفته‌ها و تأکید سیاستمداران بریتانیایی در نشان دادن اهمیت سوق الجیشی و استراتژیکی خراسان و سیستان برای منافع بریتانیا در هند در مقابل روس و دشمنانشان در آن زمان بوده است.

به دلیل اهمیت فوق العادهٔ این خطه برای بریتانیا، این کشور در مناطق حساس خراسان مانند امیرنشین خزیمه در قائنات و سیستان که از نظر جغرافیایی بر سر راه ورودی هند بریتانیا واقع شده بود، اقدام به تأسیس کنسولگری کرد تا بتواند بر سیر رویدادهای این امیرنشین نظارت داشته باشد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۱۲۳). از این رو در سال ۱۸۹۴م. هیأتی به سرپرستی کلنل ییت (Knll Tweet) به بیرجند رفت و موجبات گشایش کنسولگری را فراهم ساخت. رقابت روس‌ها با انگلیسی‌ها، روس‌ها را نیز وادار کرد تا با توجه به موقعیت سیاسی بیرجند نسبت به تأسیس کنسولگری در بیرجند اقدام کنند (بهنیا،۱۳۸۰: ۱۵۰).

در میان شهرهای خراسان بیرجند نقش مهم‌تری نسبت به مشهد برای انگلیسی‌ها داشت. چنانکه در قرارداد ۱۹۰۷م. انگلیسی‌ها توافق کردند که مشهد در حوزهٔ نفوذ روس باشد ولی بیرجند را که برای آن‌ها در حکم دروازهٔ هند بود، برای خود حفظ کردند. نقش تاریخی بیرجند و اهمیت جغرافیایی و استراتژیکی و ویژگی‌های دفاعی که آن شهر در خود دارد (پاپلی یزدی و وثوقی،۱۳۸۳: ۱۸۵)، باعث شد در طول جنگ جهانی اول، نیروهای انگلیسی در این منطقه حضور یابند و تمامی امور را بر عهده بگیرند. آلمانی‌ها نیز در طی جنگ جهانی اول و دوم به این مهم پی بردند و سعی نمودند در این منطقه نفوذ نمایند. اسناد و خاطرات بسیاری از جاسوسان آلمانی در دست است که همگی آنان هدف مأموریت خود را رسیدن به بیرجند می‌دانستند. چه بسا همین بیرجند، دروازهٔ ورودی آنان به افغانستان و سپس هند، جایی که برای انگلیسی‌ها ارزش وافری داشت، بود و آلمانی‌ها قصد داشتند با رخنه در میان مردم هند و ایجاد آشوب، انگلیس را از صحنه‌ی رقابت و جنگ خارج و این گونه آن را از پای در آورند، به همین جهت کاپیتان نیدر مایر (Nydrmayr)، مأمورانی را به منطقه قاینات اعزام کرد (سایکس، ۱۳۶۳: ۷۸۲). انگلیسی‌ها به منظور جلوگیری از نفوذ آلمان‌ها به افغانستان و شمال غرب هندوستان، یک لشکر به فرماندهی افسران انگلیسی به صورت خط زنجیری بین دزداب از زاهدان فعلی و باجگیران مستقر ساختند که مرکز و ستاد این لشکر بیرجند بود و به این دلیل همواره تعداد زیادی افراد هندی و افسران انگلیسی در بیرجند ساکن بودند (علیزاده بیرجندی و مکانیکی،۱۳۸۰: ۱۲۲). در طی جنگ جهانی دوم نیز، انگلیسی‌ها یک خط نظامی به فرماندهی سرتیپ ر. ای دایِر (R.A.Dyer) در شرق ایران مستقر کردند و مرکزیت آن را در بیرجند قرار دادند. این خط در همه حال دارای یک اسکادران سواره نظام هندی متمرکز در بیرجند بود (همان: ۷۸). اهمیت سوق الجیشی بیرجند به حدی بود که اف. هیل (F. Hale) در نامه‌های خود علاوه بر ذکر مسائل مذهبی، طبیعی و فرهنگی بیرجند، از حضور نیروهای آلمانی و روسی و ارتش انگلیس سخن به میان می‌آورد و عملکرد شوکت الملک را برای حفظ بی-طرفی در زمان جنگ یادآور می‌شود (هیل، ۱۳۸۷: ۷۸).

خراسان و سیستان فقط برای انگلیس دارای ارزش نبود، بلکه روس‌ها نیز به دنبال اهداف استعماری و سیاسی خود در صدد دست‌یابی و تسلط بر این خطه بودند تا در صورت لزوم بر علیه هند از آن جا استفاده نمایند، این امر از فحوای روزنامه‌های روسی و گزارش‌های انگلیسی‌ها آشکار است. روزنامهٔ نیمه رسمی *نوویه ورمیا* روسیه، می‌نویسد: «سیستان به دلیل موقعیت جغرافیایی و طبیعت ذاتی‌اش بیش از هرات شایسته اطلاق کلید هندوستان است. اگر در دست ما باشد پیشروی به سوی هندوستان بسیار ساده‌تر می‌شود اگر در دست انگلیسی‌ها باشد تمامی عملیات ما، به طور قابل ملاحظه‌ای مشکل‌تر خواهد شد»(رئیس طوسی، ۱۳۸۵: ۱۰۹). سایکس (Sykes) نیز در این باره اشاره می‌کند: «مشهد برای روس‌ها نیز حائز اهمیت می‌باشد زیرا کرسی‌نشین ایالت خراسان است که آذوقهٔ روزانهٔ عشق آباد را تأمین می‌کند» (سایکس، ۱۳۶۳: ۳۰). در اواخر سدهٔ سیزدهم قمری، دو ناحیهٔ مهم استراتژیک سرخس و مرو، به دست روس‌ها افتاد، که اولی حمله به هند را از طریق دریای خزر و دومی از طریق ترکستان تسهیل می‌کرد. با دستیابی روس‌ها به سرخس، عبور آن‌ها از استراباد به شاهرود با مانعی رو به رو نمی‌شد. با اشغال شاهرود آن‌ها می-توانستند به سادگی خراسان را از مرکز حکمرانی ایران جدا کنند. تصرف این مناطق استراتژیک، امید انگلیسی‌ها را از جلوگیری از هجوم روس‌ها به هند قطع کرد و آن‌ها خود را ناگزیر دیدند که با روس‌ها بجنگند و متعاقبا وزارت خارجه انگلیس، حالت جنگ میان بریتانیا و روسیه اعلام کرد (رئیس طوسی،۱۳۸۵: ۸۳). روس‌ها همچنین از اهمیت بیرجند غافل نبودند و در حدود سال‌های ۸۹–۱۸۸۵م.، ژارنیف (Zharnyf) را زیر نظر خانیکوف (Khanykvf) برای نقشه برداری به بیرجند فرستادند. او سعی کرد توپوگرافی بین بیرجند و طبس را با نقشه‌برداری مشخص کند. در همین سال‌ها،

نیکولای وادتمیروویچ خانیکوف، منطقه را مورد مطالعه قرار داد. در اواخر سدهٔ نوزدهم میلادی، روس‌ها مسیو استروف (Struff)، مأمور کنسولگری روس، را با هدایایی از طرف تزار روسیه (شامل چند عدد سماور نقره نفیس) برای امیر علم خان خزیمه و برادر او روانهٔ بیرجند نمودند (پاپلی یزدی،۱۳۷۶: ۱۶).

سرانجام دولتمردان انگلیسی تشخیص دادند که راه‌یابی روسیه از طریق عبور از سراسر قلمروهای افغانستان که در ۱۲۷۳ق/ ۱۸۵۶م. مستقل شده بود، به درون حوزهٔ نفوذ این کشور در هندوستان چندان عملی نخواهد بود؛ چرا که فاصلهٔ بین روسیه و هندوستان، افغانستان بود که نزدیک به پانصد میل فاصله داشت. بنابراین رقابت دو کشور روسیه و انگلستان در ایران از شکل نظامی خارج و به سوی رقابت‌های تجاری – اقتصادی پیش رفت (شاهدی،۱۳۷۷: ۳۲).

۳. رقابت‌های تجاری روسیه و بریتانیا در خراسان و سیستان

همان‌طور که بیان شد، مناطق شرقی ایران از خراسان گرفته تا سیستان و بلوچستان و سواحل خلیج فارس برای دولت بریتانیا اهمیت شایانی داشت و تلاش این کشور بیشتر در راه‌حل‌های اقتصادی و مسالمت‌آمیز متمرکز شد و راه‌حل‌های نظامی اهمیت درجهٔ دوم یافت. اما در موقعیتی که روسیه، در نیمهٔ قرن نوزدهم توانسته بود سراسر ایالات شمال و شمال شرق ایران، از استرآباد تا خراسان شمالی را تحت سیطرهٔ اقتصادی و سیاسی خود در آورد دولتمردان انگلیسی هم در مقام جلوگیری نفوذ این کشور در مناطق سیستان و قاینات که در تحت حکمرانی خاندان علم قرار داشت، نمی‌توانستند بی‌تفاوت بمانند. انگلستان نگران این مسئله بود که روسیه با ادامه دادن ساخت راه‌آهن به داخل سیستان نه تنها تجارت داخلی میان مشهد و نوشکی را به دست بگیرد بلکه با دست یابی به جنوب خراسان و سیستان به مجاورت حریم مرزی هند برسد (شاهدی، ۱۳۷۷: ۳۱-۳۳؛ Jones.1986:91).

با تغییر سیاست انگلیس و گسترش روابط میان انگلیس و هند، دولت بریتانیا تصمیم گرفت تا برای رونق تجارت، شعبه‌هایی از بانک شاهنشاهی را در مشهد، بیرجند و سیستان تأسیس نماید (The Economist,1926:29). از این رو بانک شاهی مشهد در راستای رقابت با روسیه تأسیس گردید. این امر از محتوای نامهٔ مک لین (Mc Laen) به لرد سالیسبوری (Lord Salisbury)، در گزارش تجارت خراسان در ۱۸۹۰م. آشکار است. وی می‌نویسد: «برای کالاهای انگلیسی، تنها دو جادهٔ مهم به مشهد وجود دارد. اولی از دریای سیاه، طرابوزان، تبریز و تهران که مستلزم پیمودن ۱۶۰۰ میل توسط یک کاروان می‌باشد و جادهٔ دومی از خلیج فارس، بندر عباس، یزد، و کرمان می‌باشد. اگر بانک شاهنشاهی تصمیم بگیرد که یک شعبه‌ای را در مشهد باز کند با استقبال رو به رو خواهد شد و اگر به نشر اسکناس بپردازد تجارت بانک در این منطقه رونق می‌یابد.» (Congressional Record,1890:753). بانک شاهی بیرجند نیز به ریاست اف.هیل در ۱۹۱۷م. افتتاح شد. ساختار تشکیلاتی بانک شاهی بیرجند با توجه به حوزهٔ قلمرو آن مشتمل بر یک رئیس و یک یا دو کارمند بود. ریاست آن بر عهدهٔ انگلیسی‌ها و معاونت یا همان تحصیلداری بانک و سمت مترجمی، بر عهدهٔ ایرانیان بود. این بانک خیلی سریع وارد عرصهٔ امور تجاری شد و نقل و انتقال پول و کالاهای مورد نیاز تجار؛ حاکمان و اهالی را بنا به سفارش آنان عهده‌دار گردید. شعبه‌های دیگر بانک شاهی نیز در راستای اهداف سیاسی و رقابت‌های بانک شاهنشاهی انگلیس با بانک استقراضی روسیه شکل گرفت و در حالی که در برخی شهرها، امور بانکی در دست بانک استقراضی روس بود و شعبهٔ بانک شاهنشاهی نمی‌توانست نقشی در آن داشته باشد ولی به خاطر رقابت با آن، شعبه‌ای تأسیس می‌شد که حتی گاهی به ورشکستگی و تعطیل شدن شعبهٔ بانک می‌انجامید. برای نمونه با اقدامات و سیاست‌گذاری حکومت انگلیسی هند، در ۱۳۲۱ق/ ۱۹۰۳م. شعبه‌ای از بانک شاهی در نصرت‌آباد سیستان تأسیس شد. این شعبه نه از سر نیاز، بلکه به دنبال انتشار شایعاتی مبنی بر گشایش بانک توسط روس‌ها در سیستان آغاز به کار کرد. وزارت امور خارجه بریتانیا در می ۱۹۰۳م. دستور داد که کمک هزینه‌ای به مبلغ ۱۵۰۰ لیر برای مدت پنج سال به بانک سیستان پرداخت شود (Jones,1986:91). هر چند به سبب رقابت با شعبهٔ بانک استقراضی روسیه در آنجا و به رغم اعطای کمک‌های سالیانه به آن، در کسادی به سر می‌برد. با این حال حکومت هندوستان در ماه آوریل پیشنهاد کرد که «این شعبهٔ بانک به دلایل سیاسی حفظ شود حتی اگر اعطای یارانهٔ بیشتری به آن ضرورت پیدا کند. چرا که بانک روس در آنجا حضور دارد» (شاهدی، ۱۳۸۷: ۳۰۳). هدف انگلستان از تاسیس این بانک علاوه بر رقابت با روس‌ها، تجارت در آن منطقه نیز بود (شاهدی، ۱۳۷۷: ۳۵). اقامت شماری از تجار هندی در سیستان نیز در راستای همین اهداف رخ نمود (رایت،۱۳۸۰: ۲۳۵).

در پی فعالیت و اقدامات بریتانیا اوضاع اقتصادی خراسان به ویژه بیرجند متحول گردید (احمدیان،۱۳۷۴: ۷۷-۷۸). بازرگانانی که در بیرجند مستقر بودند به تأسیس نمایندگی در سایر شهرها به ویژه مشهد، سبزوار، اصفهان و یزد پرداختند (مسعودی، ۱۳۸۵: ۹). از اوایل قرن بیستم نه تنها بیرجند، محل تجمع بازرگانان ایرانی بود، بلکه تجار هندی و بعضاً انگلیسی برای مذاکره و ملاقات جهت بهبود مبادلات، بیرجند را انتخاب می‌کردند. معبد سیک‌ها در بیرجند

دلالت بر ارتباط صمیمانهٔ بین بیرجندی‌ها و سیک‌ها داشت. با گسترش ارتباط میان انگلستان و هندوستان در اواخر قرن ۱۹م. و اوایل قرن ۲۰م. و اتصال خطآهن کراچی به زاهدان (میرجاوه)، موقعیت تجاری بیرجند بهبود یافت و بدین صورت مسیرهای ارتباطی مهم که از سمت خلیج فارس – کرمان – بیرجند؛ بیرجند– سیستان – هند تحت نفوذ و کنترل انگلیسی‌ها قرار گرفت (همان: ۱۵– ۱۶). بریتانیایی‌ها، تجارت هر کالایی را که برای آنان منفعت داشت در دست می‌گرفتند. به عنوان مثال قالی در قاینات به صورت ارزان با مواد فراوان تهیه می‌شد. تجارتخانه‌های خارجی به زودی تجارت قالی را در دست گرفتند و در ارزانی تولید کالاهایشان بر تولیدکنندگان داخلی برتری یافتند. این قالی‌ها به اروپا و امریکا فرستاده می‌شد و سود بسیاری را در پی داشت. بانک شاهی تصمیم گرفت این تجارت را در دست بگیرد و شعبهٔ بانک شاهی در سیستان مقدمات گشایش تجارتخانه‌ای را در این ایالات فراهم نمود (Congressional Record,1908:4156).

افزایش کالاهای صادراتی هند به شرق ایران و خراسان، بخش قابل توجهی از حیوانات بارکش محلی را به خود جذب کرده بود. کالاهایی چون منسوجات و قند که تا مدتی پیش، از روسیه به ایران صادر می‌شد، اکنون از هند وارد می‌شد. براساس برآوردهای موجود، ماهیانه بیش از صد تن کالا از هند وارد می‌شد و تقاضای موجود برای این گونه کالاها چنان بالا بود که تجار برای تأمین چهارپایان محلی مورد نیاز سخت به رقابت مشغول بودند (مابرلی،۱۳۶۹: ۴۶۴). موقعیت انحصاری کالاهای انگلیسی در بازارهای جنوبی و مرکزی ایران به شرکت‌های انگلیسی این امکان را می‌داد که با صوابدید خویش و به زیان اقتصاد ایران، پیوسته نرخ‌های بسیار بالایی برای فرآورده‌های صنایع خویش و بهای بسیار پایینی برای ماده‌های خام صادراتی ایران معین کنند (کولاگینا، ۱۳۵۹: ۵۲–۵۳).

بریتانیا حتی برای بهبود اوضاع تجاری، جاده‌هایی را احداث نمود و این گونه شرایط مطلوبی را برای رقابت با روسیه ایجاد نمود. مسیر نوشکی – سیستان و تسهیلات آن برای تجار و تأسیس نمایندگی توسط کارگران بریتانیایی در نوشکی و کوه ملک سیاه برای نقل و انتقالات بانکی و جا به جایی کالاها از طریق راه‌آهن به کاروان‌ها و بالعکس، باعث بهبودی اوضاع گردید. هم‌چنین احداث راه جدیدی در قسمت ایرانی نوشکی – سیستان، در امتداد پلنگ کوه به علی آباد واقع در مسیر بیرجند و سیستان، باعث گردید کاروان-هایی که مقصد آنان بیرجند یا مشهد است با صرف زمان و هزینهٔ کمتر، امور تجاری خود را به انجام رسانند (شیخ نوری،۱۳۹۰: ۱۰۵– ۱۰۶). در اوایل قرن ۲۰م. دو قرارداد میان هند، بریتانیا و ایران به منظور ارتقای وضعیت حمل و نقل منعقد شد. براساس این قراردادها، تجار می‌توانستند درخواست انتقال کالاهای خود را از نوشکی به کوه ملک سیاه به تحصیل‌دار نوشکی ارائه دهند و از این طریق، اقدام به اجارهٔ شتر نمایند. مدت زمان سفر و کرایهٔ شتر هم تعیین شده بود. در صورتی که انتقال کالا بیش از این مدت طول می‌کشید، اجاره‌کنندگان ملزم به پرداخت جریمه می‌شدند (Congressional Record,1908:4156). بدین ترتیب بیرجند از یک طرف، مرکز توزیع محصولات و مصنوعات هند، خاور دور و اروپا از قبیل چای، شکر، ادویه، کبریت و غیره و از طرف دیگر محل صدور محصولات قاینات و خراسان از قبیل پشم، زیره، زعفران، پوست، خشکبار بود. از طریق بیرجند محصولات وارداتی به کلیهٔ بازارهای شمال ایران حتی قفقاز و ترکستان می‌رسید (احمدیان،۱۳۷۴: ۷۷–۷۸). از سوی دیگر انگلستان موقعیت برتر خود را در تجارت پارچه‌های کتانی (خاکستری و سفید و الوان و رنگ‌های جوهری) که به آسانی قابل رقابت نبود حفظ کرد و ارزش تمام این تجارت وارداتی (که تقریباً همه از منچستر وارد می‌شد) در سال ۱۸۸۸م. معادل ۳۹۳,۲۲۰ لیره و در سال ۱۸۸۹م. در حدود ۵۰۱,۸۳۰ لیره بود که در ظرف همین سال ۱۸۸۸م. صادرات پارچه روسیه به ایران فقط۱۷۰ عدل پارچهٔ نخی و در سال ۱۸۸۹م. ۱۹۶ عدل به مبلغ ۴۰۰ لیره بود (کرزن،ج۱، ۱۳۸۷: ۶۷۲).

با وجود تمام تلاش‌های بریتانیا، عملکرد روس‌ها در خراسان به ویژه مشهد از انگلیسی‌ها بهتر بود و توانستند با گذشت زمان و اجرای سیاست‌های خاص تجارت خراسان را در دست بگیرند. به گزارش روزنامهٔ مساوات در «مدتی کمتر از ده سال یعنی از ۱۸۹۰ تا ۱۹۰۰م. واردات روسیه در ایران مضاعف شد و از ده میلیون منات به بیست و یک ملیون رسید. صادرات نیز تقریباً همینطور ترقی کرد... در ۱۹۰۴م. قونسول‌های انگلیس در بغداد و کرمانشاه و طهران و در تمام شهرهای دیگر ایران در اثبات پیشرفت تجارت روس بر ضرر تجارت انگلیسی متحد و یک زبان بودند»(مساوات، ۹ذیقعده ۱۳۲۵/ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷، سال اول، شماره ۸: ۳). چنان‌که آقای تامسون (Thomson) در گزارش سال ۱۸۹۳م. دربارهٔ وضعیت موقعیت تجارت مشهد می‌گوید: «در سال اخیر، آمار بیانگر این است که تجارت روسیه پیشرفت و تجارت بریتانیا نزول یافته است. وی یادآور می‌شود که دلیل این نزول، بیماری وبا بوده و روس‌ها در حال پیشرفت تجارت‌شان در خراسان و تلاش و کوشش برای خارج کردن تجارت کالاهای انگلیسی هستند.» تامسون ادامه می‌دهد: «روس‌ها نه تنها تجارت همهٔ کالاهای بریتانیایی را از مشهد خارج کردند بلکه با سعی و تلاش خودشان در حال پیشروی سریع به سمت جنوب هستند و در ایران مرکزی هم همین کار را انجام می‌دهند (The Economist,1893:8). برای بهبود اوضاع تجاری و گرفتن بازار تجارت ایران در نواحی خراسان از دست

روس‌ها، لرد کرزن چند پیشنهاد ارایه می‌کند. پیشنهادهای لرد کرزن مربوط به امور جاده و راهداری بود تا با انجام آن بتوان ابتکار عمل تجارت خراسان را از چنگ روس‌ها درآورد. او پیشنهاد می‌کند نمایندگان کنسولی بریتانیا باید بر جاده‌های تجاری، نظارت کامل و مستقیم داشته باشند. او راه‌حل‌هایی به شرح زیر ارایه می‌کند: «باید کنسولگری‌هایی برای شهرهای کرمان و نماینده کنسولی برای یزد مشخص شود. راه کرمان – مشهد که از لاهور و نه‌بندان می‌رود مرمت شود. باید جاده جدید و مرتبی از بلوچستان تا مرز ایرن کشیده شود و از طریق سیستان به بیرجند ادامه یابد. ایجاد خط آهن بریتانیا در جنوب از ضروریات است تا بتوان کالاهای انگلیسی را سریعتر به نقاط مختلف ایران رساند» (کرزن، ج۱، ۱۳۸۷: ۶۷۱). سرکنسول مک لین نیز در سال ۱۸۹۰م. ضمن گزارشی از تجارت مشهد، پیشنهاداتی دربارهٔ بهبود تجارت خراسان بدین شرح می‌دهد: «طبق قرارداد اجناس انگلیسی فقط یک بار آن هم در موقع ورود به منطقه ایران ۵ درصد حق گمرکی پرداخت می‌کنند و در سایر نواحی ایران کسی حق دریافت حقوق گمرکی یا عوارض از آن‌ها را ندارد، ولی این امتیاز شامل حال اتباع ما در خراسان نشده است.... بدون شک کوتاه‌ترین و بهترین راهی که کالاهای هندی از طریق آن وارد مشهد می‌شود راه قندهار و هرات است که فقط ۸۰۰ میل همراه با ۳۰ منزل از آخرین ایستگاه راه‌آهن ما فاصله دارد ولی عوارض بیش از حدی توسط امیر بر آن‌ها بسته می‌شود (۲لیره و ۲ شیلینگ ۱ پنس)که باعث شده که این راه کاملا متروک گردد. کرایه هر بار شتر ۳۳ روپیه است. امتعه روسی تقریباً به طور کامل از راه خط آهن ماوراء خزر به خراسان وارد می‌شود و مقدار کمی از آن نیز از راه تبریز و یا از راه استراباد وارد می‌گردد. از آنجا که تمام کالاهای تولیدی انگلیس مرغوبیت زیاد و مزایای بیشتری نسبت به کالاهای روسی دارد و از آنجا که از مواد بهتری ساخته می‌شود و راه طولانی‌تر هم می‌پیماید تا به اینجا برسد لذا نمی‌تواند به قیمت ارزانی به فروش برسد. امروزه چیت انگلیسی و روسی به قیمت مشابهی در بازارها به فروش می‌رسد. روس‌ها با وارد کردن مقدار زیادی از چیت خود که با بهره کمی به فروش می‌رسانند سعی می‌کنند کالاهای انگلیس را از میدان خارج کنند. از طرف دیگر چیت انگلیس برای پیشی جستن، بایستی با ضرر و یا با هیچ نوع بهره‌ای عرضه شود. بدیهی است که با وجود خط آهن ماوراء خزر در عشق آباد که فقط ۱۵۰ میل از مشهد فاصله دارد و هر دوی این شهرها با جاده سنگفرشی بهم پیوسته است، امیدی نیست که کالاهای انگلیس که از امتعه روسی رقابت کند و بایستی عاقبت حتی در این ایالات ایران نیز از دور خارج شود. مگر اینکه راه آهن ما نیز تا اینجا کشیده شود» (عیسوی، ۱۳۶۹: ۱۸۷-۱۸۹). اما روس‌ها در کنترل تجارت مشهد موفق‌تر از بریتانیایی‌ها عمل کردند، به طوری که دو سوم تجارت خارجی ایران در دست روس‌ها قرار گرفت (لنزوسکی،۱۳۵۳: ۱۲۴).

روس‌ها در رقابت با بریتانیا، شعبه‌ای از بانک استقراضی را در این مناطق تأسیس و سعی کردند در امور تجاری و بازرگانی از انگلیس بهتر عمل نمایند و سود بیشتری را نصیب خود کنند. این اقدام باعث حضور روس‌ها در بیرجند و مشهد در کنار انگلیس‌ها شد. بانک استقراضی جهت افتتاح شعب خود در شهرها و ایالات مختلف در ایران بر حسب شرایط موجود، هم اهداف سیاسی و هم اهداف اقتصادی – تجاری را مدنظر قرار می‌داد. در تمام دوران فعالیت این بانک، بارها در برخی مناطق اولویت‌های اقتصادی – تجاری افتتاح شعب بانک را موجب شد و نیز گاه مجموعه‌ای از عوامل و دلایل سیاسی و ژئوپلتیکی بانک را به افتتاح شعب و نمایندگی‌هایی وا داشت.

روس‌ها با در نظر گرفتن یک سری استراتژی‌های خاص توانستند بر بریتانیا فایق آیند. اولاً اینکه فاصله‌ایی که روس‌ها برای حمل و نقل کالا طی می‌کردند در مقایسه با آنچه که بریتانیایی‌ها طی می‌کردند، کمتر بود. میان خراسان و هند، چندین بیابان بود که می‌بایست با شتر از آن عبور کرد و از بندر عباس، خلیج ایرانی، تا مشهد ۹۰۰ مایل فاصله بود، در حالی که از استراباد در ایالت روسیه، آن طرف دریای خزر تا شمال ۱۷۰ مایل فاصله می‌باشد و با کشتی بخار و راه‌آهن به مرکز روسیه متصل می‌شود. پس هم هزینه و هم مسافت برای تجارت روسیه مقرون به صرفه بود و ثانیاً اینکه روس‌ها برای جذب ایرانیان در تجارت با روسیه، در تعرفه‌های گمرکی به آنان تخفیف می‌دادند و کالاهای ایرانی از یک مزیت و اولویت قابل توجهی در تعرفه‌های گمرکی برخوردار می‌شدند. کالاهایی مانند کتان که از یک تخفیف نه دهمی برخوردار بودند. روسیه با وجود کالای کم و سرمایهٔ پایین از رقابت بازار بمبئی ممانعت می‌کرد. بنابراین صادرات روسیه دلگرم کننده‌تر بود، زیرا می‌توانست از هزینهٔ حمل و نقل بکاهد در حالی که کالاهای انگلیسی و هندی هزینهٔ دو برابر قیمت‌شان را در برداشتند (The Economist.1908:16).

سیاست دیگر روسیه در تفوق تجاری بر بریتانیا، مبادلهٔ کالاهای نامرغوب با ایرانیان بود، زیرا آن‌ها بهای اندکی را در قبال خرید می‌دادند و کالاهای روسی در مقابل کالاهای بریتانیایی با قیمت پایین‌تر عرضه و مورد استقبال بیشتری قرار می‌گرفت. چیت‌های روسی (پارچه‌ها) به طور وسیعی در مشهد گسترش یافته بود، اما میان آن‌ها و کالاهای منچستری هیچ برابری و شباهتی وجود نداشت و این کالاها در حال از بین رفتن بودند. نمایندگان روسی در ابتدا به کشور مسافرت و خواسته‌های مردم را در می‌یافتند و چیت‌های پر زرق و برق و بسیاری از کالاهای دیگر را مطابق

خواسته‌های مردم با خود می‌آوردند که اغلب با تصویر شاه و یا شیر نر و خورشید و یا پند و اندرزهای ایرانی و در رنگ‌های مورد تقاضای ذوق‌های ناپختهٔ مردم منقوش می‌شد. به عنوان نمونه، آبی و سبز جزء رنگ‌های معمول و با این وجود بسیار باارزش و مورد توجه بودند. بنا بر گزارش روزنامهٔ اکونومیست، دولت روسیه هم-چنین برای جذب تجار، به هر تاجری برای هر پوند قندی که وی از طریق بندرگز (استراباد)به ایران صادر می‌کرد، از ۱ تا۸۰ سنت انعام می‌بخشید. بنابراین خریداری کتان در ایران با قندی که به ایران از طریق روسیه وارد می‌گردید از ارزش یکسانی برخوردار بودند و این گونه شرایط بسیار مطلوبی برای تجارت کتان در ایران فراهم می‌شد. یک مسافر انگلیسی که در زمستان قبل (۱۸۹۲م.) از بیرجند دیدن کرده بود بیان می‌کند که در قاین و بیرجند همه کالاهای موجود روسی هستند (The Economist,1893:8). تجارت روسیه در سیستان با همکاری بانک روس موفق بود. آنان روستاهای بزرگ را مورد توجه قرار می‌دادند و تمام کالاهای مورد نیاز آنان را از نصرت آباد با قیمت ۱۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ قران تهیه می‌کردند. بانک روس، یک سازماندهی منظم و کامل برای پیشرفت تجارت داشت. در بیرجند هم بانک روس تجارت منطقه را در همان مسیر سیستان در دست داشت. آنان از قاینات قالی را خریداری و سپس به قسطنطنیه صادر و از آنجا به امریکا و اروپا ارسال می‌نمودند (Congressional Record,1907:3727). قابلیت مواصلاتی و تأسیس مسیر کاروان رو مشهد – عشق آباد در پویایی و رونق تجارت ایالات شرق و شمال شرقی نقش مهمی ایفا کرد، به گونه‌ای که مبادلات بازرگانی قاینات با روسیه از این مسیر صورت می‌گرفت (شیخ نوری،۱۳۹۰: ۱۰۸). روس‌ها نه تنها تجارت خراسان، بلکه با این استراتژی خود تجارت دیگر شهرهای ایران را در دست داشتند. آنان بخشی از کالاها را به یزد ارسال نمودند و زمانی که با سود زیادی کالاهایشان فروخته شد این روند را ادامه و محموله‌های دیگری را هم به دنبال آن فرستادند The Economist,1893:8).

٤. نتایج رقابت‌های تجاری روسیه و بریتانیا

حضور و رقابت‌های اقتصادی روسیه و بریتانیا در خراسان و سیستان با نتایج مثبت و منفی برای منطقه همراه بود که در ذیل به آن‌ها اشاره خواهد شد.

٤،١. تأسیس بانک

اولین تأثیر رقابت دو دولت بزرگ در شرق ایران، تأسیس شعبه‌های بانک بود. تأسیس بانک در این مناطق سبب آشنایی ایرانیان با فعالیت نهادهای اقتصادی مدرن گردید. جفری جونز Jeffrey) (Jones معتقد است اگرچه بانک از نیروهای بومی به دلیل ناآشنایی با زبان انگلیسی و نداشتن مهارت در امور بانکداری استفاده نمی‌کرد اما به خدمت‌گیری ایرانیان در مشاغل پایین‌تر و آموزش اصول بانکداری قابل اهمیت می‌داند (Jones,1987: 77). از سوی دیگر با تأسیس بانک حاکمان محلی و تجار بزرگ به دلیل آگاهی از مزایای بانک، به حمایت و همکاری با این مؤسسات پرداختند. شعبات بانک به ویژه شاهنشاهی در خراسان و سیستان، علاوه بر اینکه امور مالی و بانکی تاجران و مردم را در میان شعبه‌های بانکی شهرهای مختلف انجام می‌دادند، بلکه امور تجاری و حمل و نقل کالاها را نیز بر عهده داشتند و با برخورداری از حمایت داخلی و خارجی توانست سود سرشاری را نیز به دست آورد. در پی رونق اقتصادی و ثبات سیاسی این نواحی، کاروان‌های تجاری از هندوستان، نیل و از هرات، پوست و از یزد، قند و شکر و از تهران، لوازم خانگی به قهستان می‌آوردند و فرش بیرجند و زعفران قاین را با خود می‌بردند. این مسائل بر اهمیت اقتصادی و تجاری خراسان و سیستان بیش از پیش افزود.

٤،٢. دخالت در امور حکمرانی حکام محلی

حضور روسیه و انگلیس و تأسیس شعبات بانکی در خراسان و سیستان اگرچه امنیت و رونق اقتصادی این مناطق را در بر داشت. اما این دو قدرت بزرگ برای تحکیم سلطهٔ نفوذ خود در شرق ایران، تلاش کردند تا با روش‌های مختلف نظر حکام محلی این منطقه را به خود جلب نمایند و با ایجاد زمینهٔ دوستی با حاکمان، شرایط دخالت غیرمستقیم خود را در منطقه فراهم نمایند. این امر در جریان اختلاف حسام‌الدوله و شوکت‌الملک برای دست‌یابی به حکمرانی قاینات آشکار می‌باشد. در جریان اختلاف این دو مدعی، مساعده-های بسیاری از سوی دو بانک استقراضی و شاهی به آنان اعطا شد. چه بسا هر کدام رشوهٔ بسیاری را به دولت می‌دادند، حکومت آن منطقه را به دست می‌گرفتند. انگلیسی‌ها برای اینکه حسام الدوله تحت تابعیت و نفوذ روس قرار نگیرد، تا جایی که مقدور بود کمک‌های مالی به وی نمودند تا حکومت او را حفظ نمایند. هاردینگ در تلگرامی به لرد لنزدان در این خصوص گزارش داد: «حکومت سیستان به حشمت (حسام‌الدوله) پیشنهاد شده است. او نیز می‌کوشد حکومت قاین را هم به دست آورد و چشم انداز موفقی هم در پیش است. برای این کار، او مرهون مبلغ سنگینی است که به وزرا و درباریان پرداخته است. او در رابطه با رشوه‌هایی که قول داده است، درخواست یک قرض نهصد پوندی از بانک هند کرده است که دوست دارد من آن را ضمانت کنم.» هاردینگ ادامه می-دهد: «که حشمت الملک به وی نوشته است که اگر از ضمانت پرداخت این پول خودداری کنم و یا در جواب او تأخیر ورزم، روس‌ها قدم پیش خواهند گذاشت و این کار را برای او انجام خواهند داد» (رئیس طوسی، ۱۳۸۵: ۱۷۳–۱۸۰). اما زمانی که حسام الدوله

جهت‌گیری خود را به سمت روس‌ها تغییر داد، بریتانیا سعی کرد از شوکت الملک حمایت نماید. پرداخت رشوه‌های سنگین برای به دست آوردن حکومت قاینات از سوی امیر محمدابراهیم خان شوکت الملک دوم، وی را در فشار مالی سنگین قرار داد. وی برای دریافت قرض به مبلغ پنجاه هزار تومان به بانک بریتانیا (بانک شاهی)در مشهد متوسل شد (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۲۲۶). شوکت الملک که قبلاً ۵۰۰۰ تومان از آقای هاوسن (Howson)، مأمور بانک شاهنشاهی انگلیس در بیرجند قرض گرفته و برای تهران فرستاده بود، مجدداً در خواست مبلغی به همان مقدار را کرد. مک موری (Mc Murry)، مدیر شعبهٔ بانک شاهنشاهی در سیستان، به هاوسن اجازه داد یک وام موقتی ۲۰۰۰ تومانی دیگر به او بدهد (رئیس طوسی، ۱۳۸۵: ۱۸۸-۱۸۹). این تحول، نشانگر مرحلهٔ نوینی در تاریخ وابستگی‌های خارجی امیران خزیمه بود. مرحلهٔ نوینی که در آن دو امیر خزیمه در روابط خارجی خود به تغییر موضع پرداختند. شوکت الملک دوم به تدریج وارد روابط خوبی با بریتانیا شد در حالی که حشمت الملک دوم به آهستگی به سوی روس‌ها گام برداشت (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۲۲۶).

٤،٣. اقدامات عمرانی

یکی دیگر از نتایج حضور و رقابت قدرت‌های بزرگ در شرق ایران، فعالیت‌های عمرانی آنان بود. احداث راه‌آهن و جاده‌سازی اغلب در جهت تأمین منافع و خواسته‌های این دو دولت صورت می‌گرفت. در طی سال‌های ۱۸۹۰ -۱۹۰۱م. جادهٔ کویته – نوشکی- نصرت آباد احداث شد و در ۱۹۰۱م. جادهٔ هند – مشهد، توسط کاروان زیارتی هندی افتتاح گردید و این جاده اصلی‌ترین راهی است که انگلیسی‌ها در شرق ایران احداث کردند که از سراسر منطقهٔ سیستان می‌گذشت و به خراسان می‌رسید و امید می‌رفت این مسیر، ارتباطی نیز بین ایران و هند به وجود آورد و بدین وسیله بُعد مسافت بین این دو کشور توسط جاده‌ای مستقیم برطرف و روابط تجاری و اقتصادی بین خراسان و هندوستان از طریق این راه تسهیل شود (لیتن،۱۳۶۷: ۸۵؛ شاهدی،۱۳۷۷: ۳۱).

تأسیس راه‌ها اگرچه سبب تسهیل رفت و آمد و رونق تجارت در منطقه گردید، اما با شروع جنگ جهانی اول کاربرد نظامی پیدا کردند و روسیه و انگلیس تمامی جاده‌ها را تحت کنترل خود درآوردند. آنان برای مقابله با نفوذ مأموران آلمانی در افغانستان و بلوچستان، یک کمربند حفاظتی در مرز شرقی ایران ایجاد کردند (رایت، ۱۳۸۵: ۳۸۰). نیدر مایر، جاسوس آلمانی، که هدفش نفوذ در شرق ایران و افغانستان بود، در یکی از گزارش‌های خود اعلام می‌کند: «در شرق نیز ایستگاه راه‌آهن زاهدان از طرف نیروهای هندی در حال تکمیل و توسعه است و در تمام جاده‌های جنوب و شرق و غرب کامیون‌ها و تانک‌های انگلیسی در رفت و آمد هستند و در کنار جاده‌ها به طول کیلومترها چادر نظامی برپا شده است» (هولتوس، ۱۳۶۶: ۲۰۶).

هم‌چنین در بین سال‌های ۱۹۱۶ و ۱۹۱۸ میلادی، دولت هندوستان از نوشکی راه‌آهنی در بیابان به دزداب (زاهدان) کشید. از انتهای این خط، نزدیک سرحد ایران و بلوچستان، یک جادهٔ موتوررو به بیرجند، قاین و مشهد احداث که به راه عشق آباد که از قوچان می‌گذرد متصل می‌شد (سایکس،۱۳۶۲: ۸۰۳-۸۰۴). راه‌آهن نوشکی برای تأمین تدارکات و نیازمندی‌ها احداث گردید؛ چون حمل و نقل توسط چهارپایان امری دشوار بود و تسطیح جاده هم به دلیل بُعد مسافت و کمبود آب، مشکل بزرگی بود. از سوی دیگر تأمین دویست و پنجاه کامیون مورد نیاز نیز خود مشکلات دیگری را مطرح می‌کرد (مابرلی،۱۳۶۹: ۲۵۰). کار امتداد خط‌آهن از نوشکی، در سپتامبر آغاز شد و پس از پاره‌ای خرابی‌های اولیهٔ لوکوموتیوها که بیشتر به سبب کمبود آب بود، روند احداث خط آهن به تدریج به صورت سریع و مناسبی ادامه یافت (همان، ۲۷۹).

٤،٤. ضربه زدن به تجار و اصناف داخلی

بدون تردید فعالیت بانک شاهی و رقیبش بانک روس در این منطقه که سبب تضعیف بسیاری از تجار خرده‌پای محلی گردید بدون اعتراض و مخالفت همراه نبوده است. به عنوان مثال تجارت فرش که کالای عمدهٔ این منطقه محسوب می‌شد، کاملاً در دست تجار روسی بود و بانک روس مستقر در بیرجند به سازماندهی تجارت این محصول می‌پرداخت و تقریباً هیچ واسطه‌ای در تجارت این کالا وجود نداشت (آرامجو، ۱۳۸۹: ۱۱۷ به نقل از Kneion: ۱۹۰۷: ۱۹). نمونهٔ بالا نشانگر محدودیت عرصهٔ فعالیت تجار به سبب اقدامات بانک روس است. نامهٔ وزارت مالیه به مجلس شورای ملی نیز در ۱۵ سنبله ۱۳۲۹ حاکی از بیکاری صنف شعرباف (کسی که پارچهٔ ابریشمی می‌بافد)در خراسان می‌باشد: «به واسطه امتعه خارجه چند سال است بی‌پا و از یک هزار و پانصد دستگاه نساجی، پانصد دستگاه باقی مانده و آن هم رواجی ندارد و اگر دولت بخواهد دو هزار و پانصد تومان از این پانصد دستگاه مالیات بگیرد دور نیست که اغلب ترک این کسب را بنمایند. در این خصوص انجمن ایالتی هم رسیدگی نموده و این طور تصدیق کرده‌اند که محض بقای این کسب لازم است از سنه ایت‌ئیل دولت پانصد تومان به آن‌ها تخفیف بدهد»(اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای ملی، ۱۳۸۸: ۳۰۹).

هم‌چنین حضور هندی‌ها و انگلیسی‌ها سبب شد تا تجارت این منطقه در دست این افراد متمرکز شود. مستقر شدن کنسول‌های انگلیس در مشهد عمدهٔ خدمات تجارتی کشور را از ایرانیان گرفت و به دست انگلیس داد و واردات کالاهای انگلیس و هندی به حد چشمگیری افزایش یافت (فرمانفرماییان، ۱۳۸۹: ۳۵۷). این امر

مصرف کالاهای اروپایی را افزایش داد و مصرف صنایع محلی را به خاطر رقابت اروپاییان به شدت کاهش داد (لمبتون، ۱۳۷۵: ۱۸۱). طبق گزارش کنسول تمپل (Tample)، در مشهد حدود ۱۲۰۰ دستگاه برای ابریشم بافی وجود داشت که در سال ۱۸۹۸م. ۲۵۰ دستگاه باقی مانده بود. مدتی بعد که کنسول سایکس به جای تمپل کنسول بریتانیا شد در تعداد دستگاه‌ها را در سال ۱۹۰۵م. ۱۵۰–۲۰۰ تخمین زده بود (سیف، ۱۳۷۳: ۳۱۷). حضور بانک و فعالیت‌های آن جایگزین بسیاری از فعالیت‌های بازرگانان و صرافان شد و در نهایت به بیکاری یا کساد حرفه‌ی این دو گروه انجامید.

٤,٥. نابسامانی اوضاع اقتصادی مردم

انهدام صنایع دستی در شهرها موجب شد که تقاضا برای کار کارگران کاهش یابد و کاهش تقاضا موجب سقوط سطح دستمزد واقعی شد، در حالی که عرضهٔ نامنظم‌تر مواد غذایی باعث افزایش قیمت مواد غذایی گشت. برای نمونه در ۱۸۳۰م. یک کارگر مشهدی به ازای هر قران توانس بین ۱۵–۳۵ کیلو نان بخرد، در حالی که در سال‌های ۱۹۰۲–۱۹۰۶م. خریدن همین مقدار نان بین ۷,۵ تا ۱۷,۵ قران تمام می‌شد یعنی بهای نان در این فاصله ۷,۵ تا ۱۷,۵ برابر افزایش یافت. با وجود این، در شماری از این مدارک قرن گذشته آمده است که هزینهٔ زندگی در مشهد در مقایسه با دیگر شهرهای بزرگ، مثلاً تبریز بسیار کمتر بوده است (سیف، ۱۳۷۳: ۲۱۱).

۵. نتیجه

رقابت‌های تجاری دو قدرت بزرگ روسیه و انگلیس در خراسان و سیستان نتایج متعددی را برای منطقه در برداشت. فعالیت این دو دولت در منطقه از یک سو به افزایش حضور نیروهای نظامی و دولتی انجامید. تعدد نیروهای بیگانه سبب شد تا در طی جنگ جهانی اول و دوم به راحتی کنترل این مناطق را به دست بگیرند. بدین گونه هدف اولیهٔ آنان یعنی تحکیم نفوذ استعماری‌شان و کنترل غیرمستقیم امور در منطقه تأمین گردید. از سوی دیگر رقابت‌های تجاری این دو دولت نتایج مثبت و منفی را برای منطقه در برداشت. فعالیت‌های تجاری بریتانیا و روسیه سبب تأسیس شعبه‌های بانکی، احداث راه‌آهن و تسطیح جاده‌ها، ایجاد امنیت، رونق امور تجاری و سهولت نقل و انتقالات گشت. اما رقابت این دو قدرت برای به دست آوردن موقعیت برتر و سود بیشتر سبب شد تا ضمن استفاده از سیستم وام‌دهی بانک و دخالت در امور حکمرانی و مسائل سیاسی، با واردات کالاهای فرنگی، به صنایع محلی و اصناف و کارگران ضربه وارد نمایند. از سوی دیگر آنان به دست گرفتن محصولات بومی منطقه و صادرات‌شان به اروپا و آمریکا، کسادی بازار بسیاری از تاجران را نیز موجب گشت

منابع

آرامجو، علی (۱۳۸۹). *قاینات در دوره قاجاریه* (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ و تمدن اسلامی). دانشگاه تهران،

احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۴). جغرافیای شهرستان بیرجند با اشاراتی به تاریخ و فرهنگ این شهرستان. مشهد: موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.

اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۸). اسناد تجاری ادوار اول تا پنجم مجلس شورای اسلامی (۱۲۸۵–۱۳۰۴ش.). به کوشش راضیه یوسفی‌نیا. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

بهنیا، محمد رضا (۱۳۸۰). بیرجند نگین کویر «شناخت بیرجند – نام آوران بیرجند». تهران: دانشگاه تهران.

پاپلی یزدی، محمد حسین (۱۳۷۶). اهمیت ژئوپولتیکی شرق و شمال شرق ایران. مجله تحقیقات جغرافیایی، ۴۴، ۲۳-۴.

پاپلی یزدی، محمد حسین؛ وثوقی، فاطمه (۱۳۸۳). خراسان، ژئوپولتیک و توسعه. مشهد: پژوهشکده امیر.

رایت، دنیس (۱۳۸۰). دو قرن نیرنگ، داستان تلخ سیاست استعماری انگلیس در ایران. (ترجمه محمود طلوعی.) تهران: علم.

رایت، دنیس (۱۳۸۵). انگلیسی ها در میان ایرانیان. (ترجمه اسکندر دلدم.) تهران: به آفرین.

رئیس طوسی، رضا (۱۳۸۵). سرزمین سوخته دیپلماسی بریتانیا در سیستان. تهران: گام نو.

سایکس، سرپرسی (۱۳۶۳). سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران. (ترجمه حسین سعادت نوری.) تهران: لوحه.

سایکس، سرپرسی (۱۳۶۲). تاریخ ایران. (ترجمه محمد تقی فخر داعی گیلانی.) جلد دوم. تهران: شرکت چاپ و انتشارات علمی.

سیف، احمد (۱۳۷۳). اقتصاد ایران در قرن نوزدهم. تهران: چشمه.

شاهدی، مظفر (۱۳۷۷). زندگانی سیاسی خاندان علم. تهران: موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

شاهدی، مظفر (۱۳۸۷). تاریخ بانک شاهنشاهی ایران گوشه‌هایی از روابط سیاسی و اقتصادی ایران و انگلستان. تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۹۰). تأثیر راه‌های تجارتی در تحولات تجاری بیرجند سده سیزده و چهارده شمسی. فصلنامه مطالعات فرهنگی و اجتماعی خراسان، ۶ (۲۱)، ۱۲۰-۹۸.
علیزاده بیرجندی، زهرا؛ میکانیکی، جواد (۱۳۸۰). طرح پژوهشی تأثیرات اقتصادی جنگ جهانی اول و دوم در بیرجند. محل نگهداری بیرجند: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند.
عیسوی، چارلز (۱۳۶۹). تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار ۱۲۱۵- ۱۳۳۲ ه.ق). (ترجمه یعقوب آژند.) تهران: نشر گستره.
فرمانفرماییان، رکسانه (۱۳۸۹). در: جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون. زیر نظر رکسانه فرمانفرماییان. (ترجمه حسن افشار.) تهران: مرکز.
کاظم زاده، فیروز (۱۳۷۱). روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهشی دربارۀ امپریالیسم. (ترجمه منوچهر امیری.) چاپ دوم. تهران: نشر آموزش انقلاب اسلامی.
کُرزُن، جورج.ن (۱۳۸۰). ایران و قضیه ایران. (ترجمه ع. وحید مازندرانی.) جلد دوم. تهران: علمی و فرهنگی.
کُرزُن، جورج.ن (۱۳۸۷). ایران و قضیه ایران. (ترجمه ع.وحید مازندرانی.) جلد اول. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
کولاگینا، لودمیلا (۱۳۵۹). استیلای امپریالیسم بر ایران. (ترجمه سیروس ایزدی.) تهران: علم.
لمبتون، آ.ک، س (۱۳۷۵). ایران عصر قاجار. (ترجمه سیمین فصیحی.) تهران: جاودان خرد.
لنزوسکی، جورج (۱۳۵۳). رقابت روسیه وغرب در ایران. ترجمه اسماعیل رائین. تهران: جاویدان.
لیتن، ویلهلم (۱۳۶۷). ایران از نفوذ مسالمت آمیز تا تحت الحمایگی (۱۸۶۰-۱۹۱۹). (ترجمه مریم میراحمدی.) تهران: معین.
مابرلی، جیمز (۱۳۶۹). عملیات در ایران (۱۹۱۴-۱۹۱۹). (ترجمه کاوه بیات.) تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۸). امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران. (ترجمه حمیدرضا ملک محمدی.) تهران: شیرازه.
مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۶). بازیگران کوچک در بازی بزرگ: استقرار مرزهای شرقی ایران و پیدایش افغانستان. (ترجمه عباس احمدی.) تهران: معین.
مسعودی،......(۱۳۸۵). محلات تاریخی بیرجند. واحد باستان شناسی. محل نگهداری: پایگاه میراث فرهنگی و گردشگری شهر تاریخی بیرجند.
هولتوس، شولتسه (۱۳۶۶). سپیده دم در ایران. (ترجمه مهرداد امیری.) تهران: نشر نو
هیل، اف (۱۳۷۸). نامه‌هایی از قهستان. (ترجمه محمد حسن گنجی.) مشهد: مرکز خراسان شناسی آستان قدس.

نشریات ادواری:

مساوات. ۹ ذیقعده ۱۳۲۵/ ۱۵ دسامبر ۱۹۰۷. سال اول. شماره ۸: ۳.

Books and Article:

Jones, Geoffrey (1986) .Banking and Empire in Iran. vol1. London. Combridge university.
Jones,Geoffrey(1987).The Imperial Bank of Iran and Iranian Economic Development.1890-1952, BUSINESS AND ECONOMIC HISTORY. Second Series. Volume Sixteen. by the Board of Trustees of the University of Illinois. Library of Congress Catalog No. 87-72645.

Journal:

The Economist.The Saturda., 3 July 1926.Page 29.Vol 103. issue 4323.
The Economist. Saturday. 5 August 1893.Page 8. Vol051. issue 2606.
The Economist. Saturday. 4July 1908.Page 1. Vol067. issue3384.

Congessional Record

Congessional Record (1890). Reports From H.M Diplomatic and Consular Officers Abroad on Trade and Finance. No.753. c 5895.
Congessional Record (1908). Annual Series of Trade of The Provinces of Sistan and Kain. No.4156.
Congessional Record (1907). Annual Series of Trade Reports. Serial No.3970. c3727.

Business Competition of Britain and Russia in Khorasan and Sistan in the Qajar Era

Zahra Nadi[2]

Abstract

Khorasan and Sistan have great importance for Russia and Britain because of the strategic location and proximity to the borders of India, in the nineteenth century. The two power after a period military action and capture some cities; to advance their goals to preserve own interests in east Iran moved to commercial activities. In this study, we try to be analytical method and using library resources and newspapers and archival documents, respond to this question that; what were commercial competition results of Britain and Russia in Khorasan and Sistan?

By examining and analyzing the business operations of Britain and Russia in Khorasan and Sistan, these was concluded that these two governments were able to establish bank branches in Mashhad, Birjand, Sistan, These two governments were able to establish a bank branch in Mashhad, Birjand, Sistan, construction of the railway and road, in addition to providing security and political stability, assume the movement of goods and financial transactions that it would led to the economic boom in Khorasan and Sistan.

On the one hand, competition and commercial activities of these powers, led to an increase in the number of foreign forces in the region and on the other hand, led to an increase in the arrival of foreign goods that over time led to the destruction of local industries in these areas, the bankruptcy of local businessmen, guilds unemployment and falling living standards of workers and the local population.

Keywords: Khorasan, Sistan, Russia, Britain, Commercial Competition, The Qajar Era.

1. PhD student of International University of Imam Khomeini (RA), Qazvin, Iran Nadi.zahra90@gmail.com